

درس یکم: مبانی علوم و فنون ادبی

از قدیم رسم بوده که در ابتدای هر کتاب علمی، چند مسئله را برای مخاطب توضیح می‌دهند و بعد می‌رفته‌اند سراغ اصل مطلب. آن چند مسئله مقدماتی را «رئوس ثمانیه» (سرفصل‌های هشت‌گانه) می‌گفتند که سؤالاتی بودند از قبیل این‌که، تعریف این علم چیست؟ چه فایده‌ای دارد؟ مخاطبش کیست؟ روش آن چیست؟ و ...
فب، حالا بیاید راجع به ادبیات هم همین کار را در ابتدای این کتاب که «علوم و فنون ادبی» است، انجام دهیم. تا حالا به این فکر کرده‌ای که «ادبیات» به عنوان یک علم چیست؟ چه مباحثی دارد؟ یک متن ادبی با متن غیرادبی دقیقاً چه فرقی می‌کند؟ اصلاً چگونه برخی شعرها با بعضی دیگر فرق دارند؟ در این درس می‌فواهیم به این مطالب مقدماتی اما خیلی مهم بپردازیم.

اولین چیزی که می‌فواهیم راجع به آن صحبت کنیم، قالب ادبیات است؛ یعنی ادبیات در چه قالبی بروز پیدا می‌کند؟ همگان - حتی شما دوست عزیز - باید بدانند که قالب ادبیات، «متن» است! فب حالا متن چیست که بعد از آن ادبیات چه باشد؟

متن

«هر چیزی که ذهن ما را به پویایی درآورد، متن است». به بیان دیگر، هنگامی که از متن، سخن می‌گوییم، خواست ما فقط نوشته‌های روی کاغذ و کتاب نیست. صدایی که می‌شنویم، بویی که حس می‌کنیم، رویدادی که می‌بینیم، مزه‌ای که می‌چشیم و چیزی که لمس می‌کنیم، هر کدام، متن به شمار می‌آیند. بنابراین، متن‌ها، شنیداری، بویایی، دیداری و ... هستند؛ مثلاً کتاب‌ها معمولاً متن‌های دیداری به شمار می‌آیند؛ اگر خوانده شوند، به آن‌ها متن‌های شنیداری یا خوانداری می‌گوییم. در این کتاب مقصود ما از متن، «آثار شعر و نثر فارسی» است. پس تا این‌جا متن را به عنوان قالب ادبیات شناختیم. حالا باید برویم سراغ تعریف کلمه ادبیات. ادبیات یعنی چی؟

تعریف ادبیات

در زبان فارسی دو واژه «ادب» و «ادبیات» معمولاً مترادف یکدیگر به کار می‌روند. در نزد پیشینیان، ادب «شناختن اموری است که آدمی به وسیله آن، خویش را از هر خطایی حفظ کند». همین الان هم «بی‌ادب» به عنوان یک تاسزا، در همین معنی به کار می‌رود!
بعدها ادب به دانش‌هایی اطلاق می‌شد که آدمیان به وسیله آن خود را از خطای در سخن مصون می‌داشتند. این دانش‌ها اقسامی دارد از جمله: «صرف و نحو» (دستور زبان)، بدیع، معانی و بیان (آرایه‌های ادبی)، قافیه، خط و ...». هنوز هم ادیب به کسی می‌گویند که با شیوه‌های گوناگون سخن آشنا باشد. واژه «ادبیات» در زبان فارسی از عصر مشروطه (۱۲۸۵ شمسی) کاربرد زیادی پیدا می‌کند. اما امروزه در زبان فارسی، اصطلاح ادبیات در معانی متفاوتی به کار می‌رود که عبارت‌اند از:

الف) آداب و هنجارهای رایج در یک زمینه

مجموعه نوشته‌ها، اصطلاحات و رفتارهایی که در یک رشته علمی یا یک حرفه خاص رواج می‌یابد؛ مانند ادبیات پزشکی، ادبیات مدیریت، ادبیات اخلاق، ادبیات سینما و ادبیات سیاست. در این نوع کاربردها، ادبیات به معنی «آداب و هنجار رایج در این زمینه‌ها» است. همه ما با ادبیات گوناگون صنفا و قشرهای مختلف مواجه شده‌ایم. مثلاً مهندسان از اصطلاحات فنی انگلیسی بسیار زیاد استفاده می‌کنند؛ یا در ادبیات رانندگان کامیون یا تاقان‌زدن یعنی حسابی عصبانی‌شده!

ب) همه آثار مکتوب

در این تعریف همه آثار مکتوب و به طور کلی هر نوشته‌ای که به تاریخ تمدن بشری متعلق باشد، ادبیات شمرده می‌شود. این تعریف، متون علمی، تاریخی، جغرافیایی، پزشکی و فلسفی گذشته را نیز دربرمی‌گیرد. براساس همین تعریف بسیاری از محققان ادبی ما، متون علمی قدیم را در زمره آثار ادبی کهن قرار می‌دهند. با این تعریف روزنامه‌ها، اسناد اداری، گزارش‌ها و ... هم ادبیات محسوب می‌شوند.
در زبان انگلیسی به ادبیات می‌گویند Literature، ریشه این واژه در زبان لاتین کلمه littera به معنی نوشته مکتوب بوده است که از آن کلمه Letter به معنی نامه و نوشته هم باقی مانده است؛ یعنی کلمه ادبیات در انگلیسی، از لحاظ ریشه‌ای به همین معنای «متون مکتوب» است.

پ) هنر کلامی

ادبیات، نوشته‌هایی است که باورها، اندیشه‌ها و خیال‌ها را در عالی‌ترین صورت‌ها بیان می‌کند. این تعریف، فقط ادبیات مکتوب را دربردارد؛ ولی، ادبیات شفاهی، مانند افسانه‌ها، حکایات، مثل‌ها و ترانه‌های متداول در میان مردم نیز میراث گران‌بهای ادبی به شمار می‌آیند. این تعریف، همان تعریف عمومی و متداولی است که از ادبیات به عنوان متون زیبا و خیال‌انگیز می‌شناسیم.

در این کتاب، ما بیشتر به ادبیات مکتوب توجه داریم و در تعریفی کلی و روشن‌تر می‌گوییم: «ادبیات، هنر کلامی است؛ کلامی زیبا که خیال‌انگیز، عاطفی و تأثیرگذار است». پس ادبیات یکی از هنرهاست.

ماده ادبیات

ماده اصلی ادبیات، زبان است؛ به سخن دیگر، «ادبیات، کاربرد هنری زبان» است. تفاوت عمده ادبیات و زبان، در هدف آن دو است؛ هدف زبان، ارتباط و پیام‌رسانی است و هدف ادبیات، زیبایی‌آفرینی.

ببینید ما همه پیام‌های زبانی را به قصد اطلاع‌رسانی به مخاطب ارسال می‌کنیم، در حالی که در ادبیات، می‌فواهیم توفه مخاطب را به زیبایی موهود در خود پیام جلب کنیم. با یک مثال این تفاوت را بررسی می‌کنیم. مثلاً من در یک پیام زبانی به شما می‌گویم: صبح شده است. هدف من از این پیام، اطلاع‌رسانی به شماست که مثلاً از سرویس یا نمانی، از کارت عقب نیفتی و ... حالا همین مضمون را در یک پیام ادبی می‌بینیم:

سر از البرز تیزد (= بالا آورد) قرص خورشید
چو خون آلوده دزدی سرزمکن (= کمین‌گاه) «منوچهری»

برگردان شعر بالا به نثر چنین است: قرص خورشید از پشت کوه البرز همان‌طور بالا آمد که دزدی فونین و زخمی از پشت کمین‌گاه به زحمت بالا می‌آید (خورشید هنگام طلوع سرخ‌رنگ است).

آیا در بیت بالا شاعر می‌فواهد به ما بگوید صبح شده؟ یا می‌فواهد توفه ما را به خود این کلام و زیبایی‌های نرفته در آن جلب کند؟ مطمئناً منظور شاعر، دومی است. درست است که از هر دو پیام زبانی و ادبی می‌فهمیم صبح شده است، اما این کلام و آن کلام!

در منطق زبان، هر واژه معنای قراردادی و روشنی دارد؛ جمله‌ها نیز ساختمان، اصول و قواعدی دارند؛ اما ادبیات به راحتی و به مدد تخیل می‌تواند منطق معنایی زبان را در هم بریزد؛ یعنی هم کلمه را از معنای قراردادی آن خارج کند و هم منطق معنایی جمله را دگرگون سازد. مثلاً دو معنایی بودن یک عبارت در زبان، یک نقص و کاستی محسوب می‌شود و به آن «کژتابی» می‌گویند. حال آن‌که همین مسئله در ادبیات زیبا است و به آن آرایه «ایهام» گفته می‌شود؛ علت این ماهر در این است که در زبان، آن‌چه برای ما مهم است، فهمیدن پیام است و ظاهر پیام اهمیت چندانی ندارد؛ در حالی که در ادبیات، کیفیت پیام و زیبایی آن مهم است. در زبان، ما بر نتیجه حاصل از یک عبارت تمرکز می‌کنیم و در ادبیات، بر زیبایی آن عبارت. ادبیات با بهره‌گیری از شگردهای هنری، همچون تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، درآمیختن حس‌ها، اغراق و ... به زبان، نقشی هنری می‌بخشد. افزون بر این، از تکرار موسیقایی آواها و عواطف و احساسات انسانی نیز بهره می‌برد.

تمرین

۱- تفاوت عمده ادبیات و زبان را بیان کنید.

ویژگی‌های ادبیات

تا این‌جا رابع به قالب ادبیات (متن)، تعریف‌های مختلف آن و ماده اصلی‌اش یعنی «زبان» صحبت کردیم. حال می‌رسیم به عناصری که یک متن را ادبی می‌کنند. گفتیم ادبیات، «کاربرد هنری زبان» است. فب حالا باید ببینیم چه عواملی زبان را هنری و زیبا می‌کنند. ادبیات، سخنی اثرگذار و بلیغ است که در ذهن شنونده می‌نشیند و او را برمی‌انگیزد؛ سخن رسا و بلیغ، دو ویژگی دارد:

۱- فصاحت

به معنی روشنی، درستی کلمه و کلام؛ و در اصطلاح، عبارت است از بیان مقصود با الفاظی روشن و روان که از عیب‌هایی مانند داشتن حروف و کلمات دشوار و سنگین، بداهنگ و ناموزون، پیچیده و مبهم تهی باشد و معنای آن به آسانی فهمیده شود. کز شنگان مسائلی را به عنوان «عیوب مقل فصاحت» ذکر کرده‌اند؛ یعنی چیزهایی که فصاحت کلام را کم می‌کند. مثلاً این بیت را ببینید:

گر تضرع کنی و گر فریاد
دزد زر باز پس نخواهد داد

کلمات «دزد» و «زر» طوری پشت سر هم آمده‌اند که ما ناچار می‌فوانیم: «دزد زر»؛ یعنی حرف «د» را از آخر کلمه دزد حذف می‌کنیم. این مسئله از فصاحت بیت فوق کاسته است. یا برای نمونه به کار بردن کلماتی که تلفظشان دشوار است، از همین عیوب محسوب می‌شده است. مثلاً کلمه «آفشچ» را ببینید. دل و روده آدم به هم می‌پیچد تا بتواند این کلمه را تلفظ کند!

۲- بلاغت

به معنی رسایی سخن، چیره‌زبانی و شیواسخنی است و در اصطلاح، سخن‌گفتن به اقتضای حال شنونده و جایگاه، یا مطابقت سخن با موقعیت و شرایط است؛ یعنی هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد. زمانی اطناب (طولانی سخن گفتن)، پسندیده و گاهی هم ایجاز (مقتصر سخن گفتن) مناسب است؛ هم‌چنان که می‌گوییم:

چون که با کودک سروکارت فتاد
هم، زبان کودکی باید گشاد «مولوی»

ما طبیعتاً با هر کسی متناسب با جایگاه، سطح تفصیلات و معلومات، هوسله و توان او سخن می‌گوییم. مثلاً فرض کنید اگر با مدیر مدرسه همان‌طور حرف بزنیم که با دوست صمیمی‌مان صحبت می‌کنیم، چه می‌شود؟

تفاوت فصاحت و بلاغت

فصاحت به چگونگی و کیفیت واژگان بازمی‌گردد و بلاغت به چگونگی معنا و محتوای کلام نظر دارد؛ یا به بیان دیگر، فصاحت به جنبه‌های ظاهری لفظ و سخن می‌نگرد و بلاغت به جنبه‌های معنوی و محتوایی کلام اهمیت می‌دهد. علم بلاغت، سه شاخه دارد: «بدیع، بیان، معانی». در درس‌های آینده با این اصطلاحات بیشتر آشنا می‌شویم.

تمرین

۲- نمودار زیر را کامل کنید.

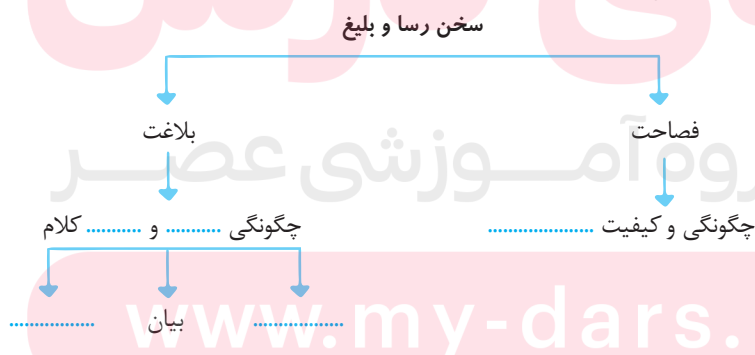


نکات اصلی درس

- ۱- متن: هر چیزی که باعث پویایی ذهن شود. متن‌ها انواع گوناگونی مانند دیداری، شنیداری و بویایی دارند.
- ۲- از نظر پیشینیان، ادب، شناختن اموری است که آدمی به وسیله آن، خویش را از هر خطایی حفظ کند (تعریفی که بعدها رایج شد: شناخت اموری که انسان را از خطا در سخن گفتن حفظ کند).
- ۳- ادیب به کسی می‌گویند که با شیوه‌های گوناگون سخن آشنا باشد.
- ۴- واژه «ادبیات» در زبان فارسی از عصر مشروطه (۱۲۸۵ شمسی) به بعد کاربرد زیادی پیدا کرد.
- ۵- تعریف امروزی ادبیات: (۱) آداب و هنجارهای رایج در یک زمینه؛ (۲) همه آثار مکتوب؛ (۳) هنر کلامی.
- ۶- تعریف برگزیده کتاب: ادبیات، هنر کلامی است؛ کلامی زیبا که خیال‌انگیز، عاطفی و تأثیرگذار است.
- ۷- ماده اصلی ادبیات، زبان است؛ به سخن دیگر، «ادبیات، کاربرد هنری زبان» است.
- ۸- تفاوت عمده ادبیات و زبان، در هدف آن دو است؛ هدف زبان، ارتباط و پیام‌رسانی است و هدف ادبیات، زیبایی‌آفرینی.
- ۹- سخن رسا و بلیغ، دو ویژگی دارد: (۱) فصاحت (روشنی و درستی کلمه و کلام)؛ (۲) بلاغت (رسایی سخن، چهره‌زبانی و شیواسخنی).
- ۱۰- تفاوت بلاغت و فصاحت: فصاحت به جنبه‌های ظاهری لفظ و سخن می‌نگرد و بلاغت به جنبه‌های معنوی و محتوایی کلام اهمیت می‌دهد.

خودارزیابی

- ۱- مفهوم «متن» را با ذکر دو مثال توضیح دهید.
- ۲- درباره پیشینه واژه «ادب» به اختصار بنویسید.
- ۳- نمودار زیر را با توجه به آموزه‌های درس کامل کنید.



- ۴- به نظر شما، متن زیر می‌تواند نمونه و مصداق مناسبی برای این مفهوم از ادبیات: «ادبیات هنر کلامی است؛ کلامی زیبا که خیال‌انگیز، عاطفی و تأثیرگذار است»، باشد؟ توضیح دهید.
- «زمین به بهار نشست؛ بهار، گره از شکوفه باز کرد. نسیم در گیسوی بید افشان فروپیچید. غنچه شکفتن آغاز کرد و سبزه دمید. گل همچون یادی فراموش‌گشته، در آغوش چمن شکفت.»

۵- با توجه به عبارت زیر، دو متن «الف» و «ب» را بررسی کنید.

«هدف زبان، ارتباط و پیام‌رسانی است؛ هدف ادبیات، زیبایی‌آفرینی».

الف) ماه، یکی از سیارات منظومه شمسی است؛ اگرچه خود تیره و بی‌نور است اما در شب، نورانی است. پهنه تاریک آسمان در ظلمت شب به نور ستارگان و تالاف ماه روشن می‌شود.

ب) شب آغاز شده است، در ده چراغ نیست؛ شب‌ها به مهتاب روشن است و یا به قطره‌های درشت و تابناک باران ستاره، مصابیح آسمان. شکوه و تقوا و شگفتی و زیبایی شورانگیز طلوع خورشید را باید از دور دید. اگر نزدیکی برویم، از دستش داده‌ایم! لطافت زیبایی گل در زیر انگشت‌های تشریح می‌پذیرد!

«دکتر علی شریعتی»

سؤال‌های امتحانی

۱- با استفاده از واژه‌های داخل کمانک، جاهای خالی را پر کنید.

الف) هر چیزی که ذهن ما را به پویایی درآورد، است. (ادب - متن)

ب) نزد پیشینیان، شناختن اموری است که آدمی به وسیله آن‌ها، خویش را از هر خطایی حفظ کند. (ادب - ادبیات)

پ) به دانش‌هایی که آدمیان بدان، خود را از خطای در سخن‌گفتن مصون می‌داشته‌اند، اطلاق می‌شد. (ادبیات - ادب)

ت) واژه در زبان فارسی از عصر مشروطه، کاربرد زیادی پیدا می‌کند. (ادب - ادیب - ادبیات)

ث) کلامی زیباست که خیال‌انگیز، عاطفی و تأثیرگذار باشد. (ادبیات - ادب)

ج) ماده اصلی ادبیات است. (زبان - سخن)

چ) به چگونگی و کیفیت واژگان بازمی‌گردد. (بلاغت - فصاحت)

۲- عبارت‌های درست و نادرست را تعیین کنید.

درست	نادرست
☐	☐
☐	☐
☐	☐
☐	☐
☐	☐
☐	☐

۳- چگونه ادبیات به زبان نقش هنری می‌بخشد؟

۴- هر یک از موارد زیر مربوط به کدام اصطلاح است؟

(فصاحت، بلاغت)

الف) سخن‌گفتن به اقتضای حال شنونده و جایگاه، یا مطابقت سخن با موقعیت و شرایط است. (.....)

ب) بیان مقصود با الفاظی روشن و روان که از عیب‌هایی مثل داشتن حروف و کلمات دشوار و سنگین، بدآهنگ و ناموزون تهی باشد و معنای آن به آسانی فهمیده شود. (.....)

۵- بیت «چون که با کودک سروکارت فتاد / هم، زبان کودکی باید گشاد» با کدام یک از ویژگی‌های سخن رسا و بلیغ ارتباط دارد؟ دلیل بیاورید.

۶- علم بلاغت چند شاخه دارد؟ نام ببرید.

پاسخ‌تمرین‌ها

۱- تفاوت آن‌ها در هدف آن دو است: هدف زبان، ارتباط و پیام‌رسانی است؛ هدف ادبیات، زیبایی‌آفرینی.

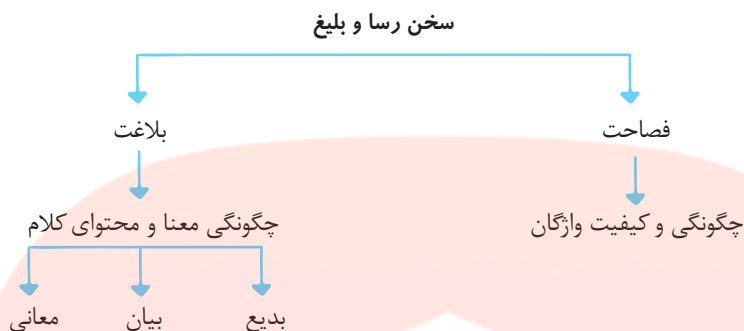
۲- الف) فصاحت - روشنی، درستی کلمه و کلام؛ ب) بلاغت - رسایی سخن، چیره‌زبانی و شیواسخنی

www.my-dars.ir

پاسخ‌خودارزیابی

۱- هر چیزی که ذهن ما را به پویایی درآورد «متن» است. مثلاً: صدایی که می‌شنویم، بویی که حس می‌کنیم، رویدادی که می‌بینیم و ...

۲- نزد پیشینیان، ادب، شناختن اموری است که آدمی به وسیله آن خویش را از هر خطایی حفظ کند. بعدها ادب به دانش‌هایی گفته می‌شد که آدمیان بدان خود را از خطای در سخن مصون می‌داشته‌اند.



- ۴- بله، زیرا از تخیل بهره گرفته و با کاربرد هنری زبان، متن خیال‌انگیز و تأثیرگذار شده است. وجود آرایه‌هایی مانند کنایه در جمله اول و دوم و استعاره در «گیسوی بید» و «آغوش چمن» کاربرد هنری زبان را نشان می‌دهد.
- ۵- متن «الف» هدف زبان را که ارتباط و پیام‌رسانی است، به خواننده القا می‌کند.
- متن «ب» هدف ادبیات را که زیبایی‌آفرینی است با کاربرد هنری زبان و استفاده از آرایه‌های تشبیه: «قطره‌های باران»، استعاره: «مصابیح آسمان» و واج‌آرایی: تکرار صامت /ش/ و ... محقق کرده است و متن خیال‌انگیز و تأثیرگذار شده است.

پاسخ‌سؤال‌های امتحانی

- | | | | |
|--|---|----------|-----------|
| ۱- الف) متن | ب) ادب | پ) ادب | ت) ادبیات |
| ث) ادبیات | ج) زبان | چ) فصاحت | |
| ۲- الف) درست | ب) نادرست (این موارد ادبیات شفاهی هستند). | | |
| پ) درست (در این تعریف، ادبیات به عنوان مجموعه اصطلاحات یک حوزه خاص به کار رفته است). | | | |
| ت) درست | ث) نادرست (در منطق زبان هر واژه معنای قراردادی و ... دارد). | | |
| ۳- با بهره‌گیری از شگردهای هنری، مانند: تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و درآمیختن حس‌ها ... | | | |
| ۴- الف) بلاغت | ب) فصاحت | | |
| ۵- بلاغت، زیرا هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد. | | | |
| ۶- سه شاخه؛ ۱) بدیع ۲) بیان ۳) معانی. | | | |

مای درس
گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir